

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۳۰ - ۷

نقش مدارس شیعی عصر صفویه در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی (با تاکید بر دو مدرسه خان شیراز و مدرسه چهار باغ اصفهان)

ابوطالب احمدی مقدم^۱

مهدی گلجان^۲

رامین یلفانی^۳

چکیده

بر اساس منابع مکتوب، تدریس و آموزش در اسلام تا قرن چهارم هجری قمری به شیوه کاملاً سنتی و در مساجد و مکتب‌خانه‌ها صورت می‌گرفت. به تدریج از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری علما و امراء به تاسیس دارالعلوم و مدارس اقدام ورزیدند و از قرن پنجم هجری قمری، تحول عظیمی در شیوه آموزشی در ایران و سرزمینهای تحت حاکمیت سلاجقه رخ داد و مدارس بیشماری در سراسر کشور تاسیس گردید. این روند در طی دو دوره ایلخانی و تیموری تداوم یافت و در نهایت در عصر صفویه به اوج خود رسید. دوره صفویه به عنوان عصر کلاسیک در تاریخ مدارس ایران اسلامی معرفی گشته است. طی این دوره دو عامل مهم: تشکیل دولت متمرکز ایرانی و رسمی بافتن مذهب شیعی، راه را برای ایجاد نظام آموزشی پویا و جدید و در

-
۱. دانشجوی دکتری تخصصی تاریخ اسلام، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: abotaleb.ahmadimoghadam@gmail.com
۲. استادیار تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: m.goljan12@yahoo.com
۳. استادیار تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: rayalfani@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۸

قالبی نو فراهم کرد و نتیجه این امر فزونی مدارس و تاسیسات علمی و آموزشی را موجب گردید. پژوهش پیش رو به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی و به روش توصیفی - تحلیلی و تاریخی، به دنبال تاثیر مدارس عصر صفوی خصوصاً دو مدرسه خان شیراز و مدرسه چهارباغ اصفهان بر توسعه فرهنگی در ایران و جهان اسلام است. بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که مدارس عصر صفوی، خصوصاً دو مدرسه خان شیراز و چهار باغ اصفهان، با توجه به اهمیت ویژه و حضور اساتید و مدرسان برجسته شیعی در آنها، نقش مهمی در رونق نظام آموزشی و تربیت جوانان ایران و در نهایت شکوفایی فرهنگ ایرانی - اسلامی داشته‌اند. بر این اساس در جامعه عصر صفوی، این مدارس و نظام آموزشی هستند که موجب هویت بخشی به جامعه صفوی گشته و همین گسترش روزافزون نظام های آموزشی در بافت جامعه شیعی مذهب صفویان، منجر به تغییر رفتارهای اجتماعی و در نهایت رشد و پیشرفت تدریجی فرهنگ و تمدن جامعه اسلامی آن دوران گشته است.

واژگان کلیدی

مدارس، نظام آموزشی، عصر صفوی، مدرسه خان، مدرسه چهارباغ، تمدن اسلامی.

طرح مسأله

از صدر اسلام میان دین و دانش، پیوستگی و رابطه‌ای مستقیم پدید آمد و مکانی یکسان برای آموزش و تبلیغ دین ایجاد گردید و می‌توان گفت که آموزش مهمترین کاربرد ثانویه مسجد در چهار سده نخست اسلامی بوده است. با ورود اسلام به ایران، شکوفایی دانش و توجه به امر آموزش افزایش یافته و مراکز علمی و آموزشی بسیاری پدید آمد که در آغاز، ادامه همان سنت تشکیل حلقه‌های بحث و درس در مسجد بودند. در مساجد، هر حلقه‌ای با نام آن درس شناخته می‌شد، مانند حلقه فقه، حلقه حدیث و... (سلطانزاده ۱۳۶۴: ۹۲) با توجه به شمار فراوان طلاب، تقابل میان کارکرد مذهبی و آموزشی مساجد و مشکلات ناشی از آن و همچنین گاهی به دلیل ورود علوم عقلی که با محیط مسجد ناسازگار بود، بنایی مستقل برای آموزش در نظر گرفته شد و فضای مدرسه در معماری اسلامی شکل گرفت (هوشیاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۸). از اوایل قرن چهارم هجری، چندین عامل مرتبط با یکدیگر، نیاز جدید و فزاینده‌ای به تأسیس مدارس مستقل ایجاد کرد. این نیاز به طور طبیعی از گسترش عمومی آموزش و پرورش و عدم کفایت مراکزی که برای آموزش احداث نشده بودند ناشی می‌شد (سمیع آذر، ۱۳۷۶: ۸۶). روحیه دانش دوستی حاکمان سلجوقی در قرن پنجم هجری و تدابیر وزیران برجسته ایرانی، عصر شکوهمندی را در تاریخ فرهنگ اسلامی، به ویژه در شکل‌گیری مراکز و مدارس علمی رقم زد. در طی این دوره تحول عظیمی در شیوه آموزشی در ایران و سرزمینهای تحت حاکمیت سلاجقه رخ داد و مدارس بیشماری تحت عنوان نظامیه در کشور تاسیس شد که زیر نظر خواجه نظام الملک توسی فعالیت می نمود که برغم صدمات وارده ناشی از حملات مغولان و تیمور بر بیکره و ساختار آموزشی و فرهنگی، در سایه امنیت‌های سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه و حضور خردمندان و وزیران بزرگ، نظام آموزشی روند تصاعدی خود را از سر گرفته و دوباره علم و دانش و توجه به نظام مدرسه-سازي رونق و رشد گذشته خود را باز یافت و در عصر صفوی به اوج تکامل خود رسید. بر اساس بیشتر منابع، نظام آموزشی و تاسیس و برپایی مدارس و معماری ایران اسلامی، شاهد دو دوره اوج‌گیری و رشد بی سابقه بوده که شامل دوره سلجوقی و دوره صفوی

بوده است (کسایبی، ۱۳۷۴: ۲۳۹). حمایت دولت صفوی از مذهب رسمی تشیع و استفاده بهینه از این شرایط توسط دانشمندان و هنرمندان، موجب شد تا هویت جدیدی مبتنی بر آموزه‌های تشیع برای ایران به وجود آمده و توان تمدن‌سازی تشیع به نمایش درآید. بر این اساس، نقش و اهمیت دولت صفویه در تاریخ ایران و تشیع بسیار اساسی و مهم است، به گونه‌ای که مطالعات در سایر حوزه‌ها بدون توجه به این دولت، مطالعه ناقصی خواهد بود و از جمله مولفه‌هایی که در بررسی و تحلیل آن باید دوران طلایی حکومت صفوی را سر لوحه کار قرار داد، توسعه فرهنگ ایرانی - اسلامی در سایه نظام آموزشی در طی چهارده قرن حکومت اسلامی است. باید عنوان کرد که نظام آموزشی و توجه به تعلیم و تربیت صاحبان ذوق و اندیشه، مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در طی هر دوره از ادوار حکومتی در سایر سرزمین‌ها و خصوصاً در ایران اسلامی بوده است. این ویژگی در دوره حاکمیت صفویان با تثبیت مذهب تشیع و یکپارچگی کلی، به نقطه اوج خود رسیده و حتی بر توسعه فرهنگی جهان اسلام نیز تأثیرات مستقیم خود را نشان داده است. پیشرفت در نظام آموزشی و رسیدن به قله‌های فرهنگی با شرایط حاکم بر جامعه از نظر اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی سرزمین‌ها رابطه‌ای ناگسستنی دارد و این امر با توجه به ثبات امنیتی دوره صفوی و شرایط مطلوب اقتصادی و اجتماعی در طی این دوره، میسر گردید. صفویان در تاریخ ایران تنها حکومتی هستند که پس از قرن‌ها پریشانی و گسیختگی شیرازه مملکت و ناهماهنگی قومی در نتیجه تهاجمات اعراب، ترکان و مغولان، توانستند، در سایه توجه به امر آموزش و نظام آموزشی و ساخت مراکز علمی گسترده در سراسر کشور، یکپارچگی، آرامش، رونق و توسعه همه جانبه را در سایر امور برقرار سازند. یکپارچگی مذهبی و همراهی دین و دولت در دوره صفویه، نقطه عطفی در تاریخ گسترش مذهب تشیع و گسترش نظام آموزشی و ساخت مدارس در ایران عصر صفویه است. شاهان صفوی و شاهزادگان خود را جانشینان به حق شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌دانستند و نسب و ارتباط خود را به امام کاظم و همچنین امام علی می‌رساندند (کیانمهر و تقوی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۴۹). آنان با این توشه راه، نه تنها ارادت خود را نسبت به اهل بیت پیامبر به اثبات رساندند، بلکه در جهت ترویج و اشاعه این مذهب، دسته به اقدامات

گسترده‌ای زدند، که ترویج آموزش و نظام آموزشی و برپایی بی‌شمار مدرسه در شهرهای بزرگ این دوران از مهم‌ترین نتایج آن بوده که نه تنها موجب رونق فرهنگ ایرانی - اسلامی شد، بلکه بر سیستم آموزشی و ارتقاء فکری و فرهنگی جهان اسلام و حتی اروپا نیز تاثیرات مثبت خود را نشان داد. ایدئولوژی‌های سیاسی و مذهبی حاکمان وقت آن دوران، موجب گردید که مدارس در کنار بناهای مذهبی دیگر همچون مساجد، جایگاه والای خود را دوباره باز یابند و به اوج شکوفایی و رونق خود دست پیدا کنند. مدارس با شکوه این دوره و عالمان و مدرسان برجسته آن‌ها همچون ملاصدرا با افکار و اندیشه‌های عالمانه خود، نه تنها بر کل ایران، بلکه تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم خود را بر نظام فکری و فرهنگی کل جهان اسلام تحمیل نمودند.

در خصوص مدارس شیعی عصر صفویه و پیوستگی و ارتباط آن در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی تحقیق مستقلی در قالب کتاب یا پژوهش انجام نشده است. با وجود این کمبود منابع تحقیقی، در بسیاری از آثاری که پیرامون معماری ایران و خصوصاً بناهای عصر صفویه به تحقیق و نوشتار پرداخته، به این مدارس به صورت مختصر اشاره گشته که آن نیز تنها به بررسی‌های معماری این دسته از بناها پرداخته است. در رابطه با معماری مدارس در ایران به طور ویژه، نویسندگان متعددی از جمله پیرنیا، معاریان، کیانی، قبادیان و هیلن براند مطالبی را در نوشته‌های خود آورده‌اند که ایشان اغلب به سیر تاریخی و معماری اندامهای مدرسه اشاره کرده‌اند. به طور کلی در خصوص مدرسه و نظام آموزشی در ایران کتب مختلفی همچون تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون (سلطانزاده، ۱۳۶۴)، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا (راوندی، ۱۳۶۷)، آموزش عالی در ایران باستان (همایون، ۱۳۶۸)، فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط (مرتضوی، ۱۳۷۶)، تاریخ آموزش و پرورش در ایران (الماسی، ۱۳۷۴)، مدارس نظامیه (کسای، ۱۳۷۴)، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران (کسای، ۱۳۷۵)، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام (ضمیری، ۱۳۷۵)، تاریخ تحولات مدارس در ایران (سمیع‌آذر، ۱۳۷۶)، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران (وکیلیان، ۱۳۸۱)، مدارس و بناهای مذهبی (ملازاده، ۱۳۸۱)، تاریخ آموزش و پرورش نوین خراسان (متولی حقیقی، ۱۳۸۴)،

آموزش و دانش در ایران (صفا، ۱۳۸۴)، جایگاه مدرسه در عصر صفوی (بخشی‌استاد، ۱۳۹۲) و ... به رشته تحریر در آمده است. همچنین مقالاتی نیز در این زمینه و در رابطه با مدارس، نظام آموزشی، تزئینات مدارس، رابطه فضای آموزشی و عبادی در مسجد مدرسه‌ها و... تألیف شده است (بمیان ۱۳۹۲؛ حاجبی ۱۳۹۰؛ حسنی ۱۳۸۵؛ هوشیاری ۱۳۹۲، وثیق و قراملکی، ۱۳۹۵، کشاورزی، ۱۳۹۵، موسوی‌خو و مهمان‌نواز، ۱۳۹۷، بخشی‌استاد و رضایی، ۱۳۹۳ و ...). لیکن هیچکدام از این منابع و مقالات از منظر مفهوم آموزش و تدریس در مدارس شیعی در دوره صفوی و تأثیر آن بر فرهنگ و تمدن اسلامی سخن نگفته‌اند. از این رو پژوهش حاضر مبتنی بر شیوه توصیفی - تحلیلی و تاریخی و گردآوری داده‌ها و اطلاعات به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای با اذعان به کمبود و پراکندگی داده‌های تاریخی پیرامون موضوع، تلاش دارد تا ارتباطات و وابستگی‌های بین مدارس و توسعه فرهنگی در این دوره حکومتی باشکوه و باثبات را روشن نماید.

سوالات پژوهش

- ۱- حاکمیت قدرتمند صفوی و رسمیت یافتن مذهب شیعی تا چه حد بر ساخت مدارس و توسعه فرهنگی در عصر صفوی تأثیر مستقیم داشته است؟
- ۲- جایگاه دو ساختار آموزشی و فرهنگی مدرسه خان شیراز و چهار باغ اصفهان در رشد و نمو نظام آموزشی و خلق معنا و هویت جامعه شیعی مذهب عصر صفوی چگونه بوده است؟
- ۳- نقش مدارس شیعی عصر صفویه بر توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی ایران و جهان اسلام چه بوده است؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. دو مولفه حاکمیت ملی صفوی و رسمیت یافتن مذهب شیعی مهم‌ترین تأثیرات را بر روند ساخت مدارس و ارتقا آن در جامعه آن دوران داشته است.
۲. مدارس خان شیراز و چهار باغ اصفهان از بزرگترین و رایج‌ترین مدارس دوره صفوی هستند که نسبت به سایر مدارس کوچکتر از خود، دارای معماری قابل توجه‌تری بوده‌اند. معماری این بناها و مقیاس آن‌ها نشان از مفهوم همگانی‌تر نظام آموزشی در دوره

صفوی و جایگاه و هویت جامعه شیعی در آن دوران است. این دو مدرسه نه تنها از نظر فنون و تکنیک‌های معماری پیشرفته، بلکه در زمینه علما و اساتید برجسته آن‌ها همچون ملاصدرا و ... و تربیت نیروهای متخصص و دانشمندان آشنا به علوم مختلفه در آن دوران، از جایگاه مهمی برخوردار هستند.

۳. تشکیل حکومت مستقل ملی توسط حاکمان صفوی در ایران از یک طرف و به رسمیت شناختن مذهب شیعی از سوی آن‌ها و فرارگیر یافتن تدریجی آن در جامعه آن دوران، موجب توجه بیشتر به مسئله نظام آموزشی و پیشبرد روزافزون علم و دانش در قیاس و رقابت با حکومت‌های همسایه (همچون عثمانی‌ها) گشته و همین امر زمینه اساسی را برای شکوفایی بارز فرهنگ و تمدن اسلامی فراهم نمود.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

در دوره صفوی رونق و شکوفایی در تمام زمینه‌های فرهنگی، هنری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی در کنار ایجاد حاکمیت ملی و یکپارچه و تثبیت و به رسمیت شناختن مذهب شیعی و پذیرش آن به صورت یک امر فرایندی و تدریجی در میان عموم؛ دوره‌ای را رقم می‌زند که تمامی محققین و مورخین این عصر را عصر شکوفایی تاریخ اسلامی نام نهاده‌اند. حضور تمامی این مولفه‌ها در کنار یکدیگر تأثیرات و برهمکنش‌هایی را بر روی هم موجب گردیده است. این تحقیق ضمن بررسی و مطالعه مدارس صفوی (با تاکید بر دو مدرسه خان و چهارباغ)، به دنبال فهم و شناسایی و بررسی شکوفایی مذهب شیعه و حاکمیت یکپارچه صفوی و رشد و شکوفایی نظام آموزشی در این دوره بوده و در نهایت ارتباط این مولفه‌ها را با توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی می‌سنجد و مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

نظام آموزشی و مدرسه‌سازی در دوره صفوی

در طی حکومت صفوی در ایران، مذهب همه‌چیز را تحت تأثیر خود قرار داده همچنان که دین و دولت و مذهب و مکتب و سلطنت و سیاست چون شیر و شکر درهم آمیخته شده بود (نویدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۷)؛ نهضت تعلیم و تربیت و ساخت مدارس نیز از این اوامر متأثر گشته و رنگ و لعابی دینی و مهبی شیعی به خود گرفته است. صفویان

برای همراه کردن توده مردم با مذهب رسمی جدید، دست به ساخت مدارس بی‌شماری در سراسر قلمرو تحت حاکمیت خود زدند. حاکمان صفوی با اعلام رسمیت مذهب شیعی و بهره‌گیری از آموزه‌های آن، در پی تثبیت حکومت خود از طریق تبلیغات مذهبی بودند. در گذشته این تبلیغات عموماً با بهره‌گیری از شعر حماسی، نقاشی، نقوش برجسته، سکه، مبلغان و معماری صورت می‌گرفت (Walton, 1997: 49). همان‌طور که والتن نیز بدان اشاره دارد، یکی از راه‌های ترویج مذهب و از طریق آن مشروعیت بخشیدن به نظام حکومتی در طی ادوار، استفاده از معماری و تزئینات و کتیبه‌های وابسته به آن بوده است. این استراتژی خصوصاً در دوره صفوی که مذهب تغییر کرد و شیعی مذهب رسمی کل ایران شد، مورد توجه شاهان این دوره قرار گرفت. بنابراین طی دوره حکومت صفویان بر ایران، مدارس به‌عنوان یکی از ارکان و شاخصه مهم و اساسی معماری صفوی، در کنار مساجد، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت و علاوه بر استفاده از آن در راه ترویج مذهب رسمیت یافته شیعی، در راستای ارتقای فکری - فرهنگی ایران عصر صفوی نیز مورد بهره‌برداری واقع شد و از این طریق صفویان توانستند تأثرات شگرفی بر جهان اسلام آن روزگار بگذارند. طی این دوره مدارس بزرگی در سراسر ایران، خصوصاً در پایتخت‌های صفویان بنا گشت و علما و دانشمندان برجسته‌ای به تحصیل علوم پرداخته و از آن فارغ‌التحصیل گشتند که بر روی هم پیکره اصلی تکاپوهای دینی پس از آن را تشکیل می‌دادند (صفت گل، ۱۳۸۱: ۱۷۴). صفویان از نگاه ساختار دینی با تأسیس مدارس و مساجد جدید و تغییر و بازسازی مدارس و مساجد قدیم شهرت و آوازه یافتند و مراکز علمی خود را مرکز الهیات، فلسفه و مناظره‌های فکری و مذهبی ساختند. با پایتخت نمودن اصفهان از سوی شاه‌عباس اول و رونق این شهر در تمام زمینه‌ها و بسترها، این شهر مرکز و مبدأ آموزش و تدریس و موجبات رونق توسعه و فرهنگ تمدن اسلامی گشت. مدارس در این دوره با حمایت شخصی شاه و خانواده وی و همچنین افراد مهم اجتماعی و سیاسی بنا می‌شدند و همان‌طور که ژان شاردن بدان اشاره دارد: «یکی از تأسیسات خیریه عهد مسلمانان در دوره صفوی، بنای مدارس است؛ زیرا علاوه بر این که کلیه مساجد، مدارس در جنب خود به‌ضمیمه دارند، در دهات نیز به‌طوری که من بسیار دیده‌ام، مدارس وجود داشت (شاردن،

۱۳۳۸: ج ۵: ۴۵). در نتیجه گسترش روزافزون مدارس در طی دوره صفوی، ایران کانون اصلی تکاپوهای معلمان شیعی گشت که نتیجه این امر نیز، فزونی مدارس و تأسیسات علمی و آموزشی را موجب گردید. ذکر این نکته نیز الزامی می‌نماید که علاوه بر نقش حکومت و شاهان صفوی و رسمیت یافتن مذهب شیعی، علما و دانشمندانی همچون ملاصدرا و شیخ بهایی و ... نیز به نوبه خود نقشی مؤثر در پیشبرد و تقویت حکومت و همچنین نظام آموزشی و بنیان‌های علمی، فرهنگی و مذهبی این دوره داشتند.

در دوره صفوی، یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که مدارس ایفا می‌کردند، تأمین نیروی انسانی برای نهادهای حکومتی و خصوصاً دینی بود. دانش‌آموختگان مدارس بر اساس مذهب رسمی علوم مختلف را می‌آموختند و همین امر سبب ترویج تشیع توسط آن‌ها می‌شد. باید توجه داشت که حکومت صفویان در اوایل با کمبود شدید نیروی انسانی متخصص در زمینه مذهب تشیع مواجه بود. بنابراین گسترش و ترویج مدارس به مرور این نقص را مرتفع نمود؛ به گونه‌ای که در اواخر دوران صفویان این مشکل در سایه گسترش نهادهای آموزشی خصوصاً مدارس رفع شده بود (موسوی خو و مهمان‌نواز، ۱۳۹۷: ۱۴۵).

در دوره صفوی، شاهان قصد داشتند دولت ملی مستقل شیعی تشکیل دهند. از این رو، سیاست تبلیغ و ترویج تشیع پیش گرفته شد تا با حفظ وحدت ملی، قدرت دولت تقویت گردد (نویسی و غفاری فرد، ۱۳۸۶). به همین منظور برگزاری جشن‌های ملی و مراسم مذهبی پا گرفت در حالی که این رخداد بستر مناسب خود را می‌طلبید. در نتیجه، حکومت اقداماتی در رابطه با طراحی شهری ترتیب داد که از آن جمله می‌توان به ساخت مجموعه‌های شهری اشاره نمود. از سوی دیگر، مدارس به گونه‌ای طرح‌ریزی شد تا بتواند با پذیرش مردم شهر، پشتیبانی عقیدتی جهت پیشبرد اهداف مذکور باشد. در این دوره، کیفیات متفاوتی در ارتباط مدرسه و شهر نمایان است. برخی مدارس صفوی در مجموعه‌های شهری واقع شده‌اند و از این رهگذر، حافظ تعامل طلبه‌ها با مردم شهرند؛ مانند مدرسه گنجعلی خان کرمان که مقارن حکومت شاه‌عباس در مجاورت میدان و بازار بنا شد. به گونه‌ای که در طبقه همکف، مسافران کاروانسرا را جای می‌داد و طبقه اول آن به حجره‌ها و مدرس طلاب اختصاص داشت. از سوی دیگر، دو گروه مذکور

به صورت مشترک از عناصر ورودی، حیاط و مسجد بهره می‌بردند و به این ترتیب ارتباط طلاب با مردم شهر و بازرگانان خارجی در قلب تپنده شهر برقرار می‌گردید و کیفیت این انسجام چنان است که گویی مدرسه از میان مردم عبور می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مدارس صفوی دارای نوعی کاربری همگانی بوده‌اند که البته این فضا در مقایسه با نقشه‌های مدارس تیموری به درون بنا کشیده شده است؛ مانند مدرسه چهارباغ اصفهان (متدین و آهنگری، ۱۳۹۵: ۷۹). به طور کلی تأسیس مدارس در عصر صفوی به ویژه در زمان شکوفایی این دوران؛ یعنی از دوره شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) به بعد، اوج گرفت و حتی دوران انحطاط سیاسی عصر صفوی؛ یعنی دوره حکومت شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) و شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) در گُند شدن روند رشد یابنده تأسیس آن‌ها تأثیر نگذارد و باید عنوان نمود که از این منظر، دوره ضعف و انحطاط عصر صفویه، با دوره اوج و شکوفایی ساخت مدارس نیز هم‌زمان بوده است (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲: ۹-۱۰). بنابراین ساخت مدارس در عصر صفوی در تمام بازه زمانی حکومتی این سلسله مورد توجه خاص قرار داشته است.

در ارتباط سیستم و نظام آموزشی دوره صفویه، در سفرنامه‌های سیاحان و نویسندگان خارجی که در طی این دوره به ایران آمده و از نزدیک نحوه آموزش، فعالیت‌ها، علما و دانش‌آموخته‌گان را دیده‌اند، مطالبی مفیدی ذکر گردیده است. ژان شاردن ایرانیان را به علت داشتن خصایص بلند و متعالی که سبب توجه آنان به عالم ادبیات، هنر و علوم گوناگون گشته، ستوده و مورد تجلیلی قرار داده است. بر طبق گفته شاردن، در آن زمان در سراسر اروپا کشوری وجود نداشته که به اندازه ایرانیان شیفته و دل‌باخته علم و هنر باشند و در تحصیل و یادگیری آن بکوشند. چرا که ایرانیان در تمامی شرایط و احوال با فراگیری معلومات تازه و کسب هنرهای جدید اهتمام ویژه‌ای می‌ورزیدند. حتی پیشه‌وران و کشاورزان از مطالعه و خواندن کتاب‌های خوب غافل نبودند و عموم مردم فرزندان خود را به تحصیل دانش و هنر می‌گماردند؛ به طوری که فرزندان خود را از پنج سالگی به مکتب‌خانه می‌سپاردند و تلاش می‌نمودند تا آنان را وارد مدارس عمومی کنند. در ایران در مدارس عمومی معلمان نه تنها دستمزد نمی‌گرفتند، بلکه به شاگردان شهریه نیز پرداخت

می شد تا فقر و نداری مانعی بر سر راه سوادآموزی و تحصیل علوم نشود (شاردن، ج ۴: ۱۵۹۴ - ۱۵۹۵). شاردن در جلد چهارم سفرنامه خود را که به اخلاق ایرانی‌ها اختصاص داده، درجایی ضمن اشاره به افکار و اندیشه‌های لطیف ایرانی‌ها، جامعه ایرانی عصر صفوی را مستعد و علاقه‌مند به علوم و فنون معرفی می‌کند و چنین می‌نویسد: «فکر ایرانیان به مانند جسمشان لطیف و عالی است ایرانی‌ها دارای تفکری زنده و سریع و ثمربخشی می‌باشند؛ استعداد و آفری به علوم و هنرهای زیبا و صنایع فنی دارند و نیز اشتیاق بسیاری به اسلحه دارند. دارای طبیعت نرم و سازگاری هستند؛ مهربان، نجیب، معقول و بسیار مؤدب‌اند» (شاردن، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۴). در دوره صفوی کمتر کسی یافت می‌شد که خواندن و نوشتن را فرانگرفته باشد. در این دوره نظام آموزشی و تعلیم و تربیت یا در مکتب‌خانه که معمولاً مکانی در مساجد این دوره بوده، صورت می‌گرفته و یا در مدارس عمومی و خصوصی این دوره بوده که معمولاً در تمامی شهرها و نقاط ایران یافت می‌شد. آزادی تحصیل در طی دوره صفوی خود از اهم امور و تشکیلات دولت صفوی بوده که به تمام فرزندان و مردمان این سرزمین اجازه تدریس در مهم‌ترین مدارس را می‌دادند. به‌طور کلی آزادی تحصیل در دوره صفوی، از شاخه‌ها و شاخه‌های آموزشی این دوره محسوب می‌گردد. بنا به گفته الگور، «در دربار صفوی، آزادی تحصیلی به حدی بود که حتی گاهی اوقات به فراش‌های مدرسه نیز اجازه داده می‌شد تا در کلاس‌های درس حضور یابند» (الگور، ۱۳۵۷: ۱۴۶). کمپفر در ارتباط با مدارس و نظام آموزشی دوره صفوی بیان می‌کند که سهم قابل توجهی از عواید دربار صرف مساجد، گرمابه‌ها، قنوت، شوارع عام و پل‌ها و از همه بیشتر صرف مدارس این دوره می‌گشت. وی ذکر می‌کند که شاهان به رسم نیاکان خود و در جهت صلاح مردم و جامعه و هم در جهت این که نام نیکی از خود به یادگار بگذارد، نه تنها به ساخت انواع ساختمان‌ها بخصوص مدارس و موقوفات دینی می‌پرداختند، بلکه تمامی وسایل موردنیاز و هزینه‌ها را نیز جهت تأسیس و اداره آن در اختیار قرار می‌دهند. وی همچنین عنوان می‌کند که: «در این میان بزرگان و اعیان این دوره نیز از شاهان صفوی سرمشق گرفته و در ساخت و برپایی مدارس همت می‌گمارند. بنابراین با توجه به دلایل مذکور، در اغلب شهرهای ایران مدارس و موقوفات زیادی به چشم می‌خورد و تنها

در اصفهان که پایتخت است؛ در حدود یک‌صد موقوفه قابل ملاحظه وجود دارد» (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۳۹). بر اساس نوشته‌های اکثر سیاحان این دوره همچون شاردن و کمپفر، مدارس دوره صفوی از نظر ابعاد ساختمان و شکوه و جلال و تزئینات به کار گرفته در این بناها، حتی از دانشگاه‌های اروپایی و مدارس عالیه آن‌ها نیز والاتر بوده است

بررسی و مطالعه مدرسه چهارباغ اصفهان و مدرسه خان شیراز

الف) مدرسه چهارباغ اصفهان

مجموعه چهارباغ که مدرسه چهارباغ (مادر شاه) نیز جزوی از آن است، یکی از مجموعه‌های بزرگ در ایران و در دوره صفوی بوده که «در بردارنده یک مسجد-مدرسه به نام (مادر شاه)، یک کاروانسرا، (اسطبل‌ها) و یک بازار است» (بلر و ام. بلوم، ۱۳۸۱: ۴۹۱). مسجد-مدرسه چهارباغ که مهم‌ترین و شاخص‌ترین بنای این مجموعه به حساب می‌آید، حدفاصل خیابان چهارباغ و کاروانسرای عباسی قرار دارد که «در فاصله سالهای ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ ه.ق. به دستور شاه سلطان حسین و با هزینه مادر شاه، برای تدریس و تعلیم طالب علوم دینی بنا شده است» (موسوی فریدنی، ۱۳۷۸: ۱۰۷). این اثر زیباترین بناهای اواخر عصر صفوی و نگین آثار این دوره می‌باشد که در زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی، آخرین پادشاه صفویان ساخته شده است. این مدرسه چون به نوعی دائرةالمعارف و دربرگیرنده انواع سبک‌های معماری زمانه خود است، به همین علت به نام‌های مدرسه ساطانی، مدرسه مادر شاه، مدرسه علمیه امام صادق و مدرسه چهارباغ نیز نامیده می‌شود. لکن در حال حاضر در میان اکثریت مردم، به مدرسه چهارباغ مشهور است (دیولافوا، ۱۳۹۰: ۳۰۱-۳۰۴؛ موسویان، ۱۳۸۷: ۳۰۹؛ و کیلیان، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۹؛ پرسی مولزورث، ۱۳۸۱: ۲/ ۲۸۹ به نقل از درخشانی، ۱۳۹۶: ۵۳). از مهم‌ترین منابعی که به تاریخ احداث بنای مدرسه چهارباغ اشاره کرده است: کتاب «وقایع السنین والاعوام» تألیف سید عبدالحسین خاتون‌آبادی اصفهانی (۱۰۳۹-۱۱۰۵ ه.ق) است. بدین صورت که در وقایع سال ۱۱۱۶ ه.ق. این کتاب آمده است: «که نواب اشرف (شاه سلطان حسین) بنای مدرسه را در سال ۱۱۱۶ شروع و در سال ۱۱۱۸ موفق به اتمام آن گردید و در ماه ذی‌الحجه همان سال امور تدریس مدرسه را به علامه امیرمحمد باقرا گذاشت. این مدرسه دارای ۱۵۰

حجره و در کمال تکلف ساخته شد و در سال ۱۱۲۲ ه.ق. طلبه‌ها در آن ساکن می‌شوند و شاه سلطان حسین جهت افتتاح مدرسه مراسم بسیار باشکوهی برگزار می‌کند» (هنرفر، ۱۳۵۰: ۶۸۶). محمدرضا اصفهانی نیز به تفصیل در ارتباط با این بنا نوشته است که: «مدرسه چهارباغ از مدارس درجه اول اصفهان است که آن را شاه سلطان حسین در چهارباغ قدیم عباسی به طرف شرق آن بنا نموده و دارای ابعاد بزرگ و صحن وسیعی است. بنای مدرسه در دو طبقه که هر دو طبقه دارای حجراتی بود که طلبه‌ها در آن سکونت و به تحصیل می‌پرداختند. مدرسه دارای چهار ایوان در چهار جهت که در حکم مسجد، بنای مدرسه‌اند. از مهم‌ترین ایوان‌های مدرسه، ایوان ضلع جنوبی (سمت قبله) است، ایوان مزبور از تمام ایوان‌ها رفیع‌تر و بر بالای آن گنبدی وسیع بنا کرده‌اند. داخل فضای گنبد را کاشی‌کاری و با نقاشی‌های نفیس مزین کرده‌اند و به نوعی نقش مایه‌های آن را از تزئینات مسجد ساروتقی طرح نموده‌اند. در داخل ایوان جنوبی و در زیر گنبد در کنار محراب منبری از سنگ مرمر ساخته‌اند. ازاره‌های ایوان و گنبد نیز از سنگ مرمر است. طول مدرسه سلطانی از شرق به غرب و عرض آن از شمال به جنوب است. به‌غیر از حجرات زاویه‌های مدرسه و سمت چهارباغ و بازارچه بلند، صحن مدرسه هفتاد و دو حجره دارد که تماماً بزرگ، خوش‌نما و استوار هستند» (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۷۱-۶۹). در این مدرسه از نظر ویژگی‌های کلی معماری، بعد از دروازه ورودی، هشتی یا سرسرای مدرسه واقع شده که یکی از زیباترین قسمت‌های بنا از نظر تزئین کاشی‌کاری است. نمای داخلی مدرسه شامل هشتی ورودی، حیاط داخلی، گنبد، مناره‌ها و اتاق‌ها است. حیاط داخلی مدرسه نیز با پلانی مستطیلی ۵۵×۶۵ متر ابعاد دارد و در چهار گوشه آن چهار بنای چندضلعی ساخته شده است. در وسط هر ضلع حیاط مدرسه یک ایوان بلند و در طرفین آن ایوان‌های کوچکی در دو طبقه قرار گرفته که در پشت آن‌ها حجره‌های طلاب واقع شده است. ایوان بزرگ مدرسه، گنبد و مناره‌ها در سمت جنوب قرار گرفته و در دو طرف ایوان دو مناره با ارتفاع ۳۸ متر ساخته شده‌اند (کیانی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). مدرسه چهارباغ، با چهار مدرس هشت ضلعی در چهار گوشه صحن، فضای باز و طبیعت را به داخل توده معماری کشانده، امکانی برای ایجاد حجره‌های بیشتر فراهم و با ایجاد ارتباط آسان بین فضای درون و بیرون با استفاده از رواق و جداره‌های شفاف،

بهره‌گیری از طبیعت، نور روز، آفتاب و ... را امکان‌پذیر کرده و تأثیر مثبتی بر کاربران گذاشته است (عظمتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶).

اکثر حجرات مدرسه چهارباغ دارای نقشه یکسانی هستند. بدین صورت که؛ از یک اتاق نشیمن در جلو و قسمتی به صورت صندوقخانه در عقب و قسمت دیگری به شکل بالاخانه تشکیل شده‌اند. در میان حجره‌های این مدرسه یک حجره متفاوت‌تر از بقیه بوده و آن نیز حجره شاه سلطان حسین است. این حجره در ضلع شمالی مدرسه واقع شده است و داخل آن با تزئینات طلاکاری زیبایی آراسته شده است. شاه سلطان حسین بیشتر اوقات خود را در این حجره صرف مباحث دینی با علمای بزرگ می‌کرد. از این بنا تنها یک زیلوی ساده با کتیبه‌ای با مضمون و محتوا «فرش این مدرسه که روح فراست / وقف نواب اشرف اعلاست» موجود است. شاه سلطان حسین با علما و فقه‌های دین‌حشرونشر بسیار داشته و خود را جزو آن‌ها به شمار می‌آورده است و به شریعت و اوامر فقهی و دینی اهمیت مفرط می‌داده است. به همین دلیل در آغاز به تحصیل علوم دینی مشغول و در این مدرسه حجره‌ای به نام خود داشت که تاکنون نیز باقی است (هنر فر، ۱۳۵۰: ۵۰). یوسف کیانی در ارتباط با حجره شاه سلطان حسین نوشته است که در منتهی‌الیه سمت راست ضلع غربی مدرسه حجره‌ای منصوب به شاه سلطان حسین وجود دارد که دارای تزئینات مخصوص است. معروف است که شاه سلطان حسین قسمتی از اوقات خود را در این حجره به درس و پاسخ دادن به مراجعان می‌گذرانیده و در همین حجره بود که به دست افغان‌ها کشته شد (کیانی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

کتابخانه از دیگر فضاهای بنای مدرسه چهارباغ است که با توجه به شواهد نوشتاری از مهم‌ترین آن‌ها نیز محسوب می‌شد. بر اساس گفته مؤلف کتاب «جغرافیای اصفهان» مدرسه چهارباغ کتابخانه مفصلی هم داشته است، بدین صورت که؛ شاهان صفویه اقدام به تصحیح و تنقیح کتب می‌کردند و سه دسته از کل آن‌ها را به خط خوش نوشته و وقف می‌کردند و آن‌ها را در سه کتابخانه آستان امام رضا (ع)، شاه صفی اردبیل و مدرسه دولتی چهارباغ اصفهان نگهداری می‌کردند. محمد هاشم آصف می‌نویسد: «که شاه سلطان حسین دارای کتابخانه‌ای بود که دارای خطوط خطاطان بزرگ از جمله ابن مقله، یاقوت

مستعصمی، آقا ابراهیم، میرزا احمد نیریزی، میرعلی، میرعماد، شاه مسکین، رشید و غیره و همچنین دارای کتاب‌های شامل قرآن، ادعیه، احادیث، نسخه‌های از جمیع علوم و فنون، داستان، تواریخ و دیوان‌های شعر بود» (آصف: ۱۳۵۲: ۷۰؛ به نقل از جویری، ۱۳۹۷).

این بنا چه به لحاظ معماری و فنون ساخت و ساز آن و چه به لحاظ تزئینات و کتیبه‌های موجود در آن، درخور و حائز اهمیت بوده و از این نظر نیز جزو آثار باشکوه این دوره محسوب می‌گردد.

جدول: انواع نقوش و فنون به کاررفته در مدرسه چهارباغ (آقا داوودی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۹).

انواع تزئینات		کاشی		گچ		فلز		چوب		سنگ	
تکنیک‌ها و شیوه‌های اجرا انواع نقوش تزئینی در بناها		هفت‌زنگ		آرزه‌های گچی		دیوارنگاره		طلاکاری روی گچ		قلم‌زنی	
		معمق		قنبله		میله‌کاری		تزیینات در کوب		مشبک	
مسجد-مدرسه چهارباغ		اسلامی									
		ختایی									
		هندسی									
		حیوانی									
کتیبه‌ها											

ب) مدرسه خان شیراز

مدرسه خان در شیراز، یکی از مهم‌ترین مدارس ساخته‌شده در دوره صفوی است که به گفته استاد پیرنیا، از کامل‌ترین مدارس ایران از لحاظ پلان و تزئینات معماری است. این مدرسه با الگوی چهار ایوانی، حجره‌هایی در دو طبقه، سردری بلند و تزئینات متنوع از جمله مقرنس کاری، کاشی کاری، معرق و هفت‌رنگ با نقوش و رنگ‌های متمایز، دارای جلوه‌ای خاص است. این بنا در شمار تاریخی‌ترین مدرسه‌های ایران محسوب می‌شود و از همان زمان تأسیس مهم‌ترین مدرسه علمیه شیراز بوده است. شهرت مدرسه خان پیش از هر چیز در گرو بانی و مدرس و نحوه تدریس در آن بوده است. این مدرسه در دوران صفوی توسط الله وردی‌خان، مباشر سرشناس دربار شاه‌عباس صفوی و والی فارس (حک: ۱۰۰۴-۱۰۲۱ق)، بنا و سنگ بنای آن گذاشته شد. با این حال، مطابق کتیبه زیر سقف هشتی ورودی، تکمیل ساختمان مدرسه دست کم تا ۱۰۲۴ق - دوران

بیگلربیگی امام قلی خان، فرزند الله‌وردی خان، بر فارس - ادامه یافته است. مدرسه خان برای فراخواندن ملاصدرا به شیراز ساخته شده است و نام آن به الله‌وردی خان موسوم و اصطلاحاً به «خان» مشهور است (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۵۶۹). بر طبق گفته استاد پیرنیا، استاد شماعی شیرازی در سال ۱۰۲۴ هجری قمری مدرسه خان شیراز را بنا نهاده است (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۳۲۴). زیربنای این محل که به سبک بناهای درون‌گرا ساخته شده، ۷۶۸۶ مترمربع می‌باشد که در زمینی به مساحت ۵۰۰۳ مترمربع در دو طبقه بنا گردیده است. این بنا دارای یک‌صد حجره جهت اسکان طلاب بوده، صحن مدرسه نیز با یک حوض هشت گوش در مرکز و ۴ باغچه در چهار طرف آن به همراه درختان نارنج و نخل مزین گردیده است. مدرسه خان شیراز به سبک چهار ایوانی با اتاق‌ها و حجره‌هایی در اطراف حیاط مرکزی در دو طبقه برای استفاده طلاب بنا شده است. صحن مدرسه دارای ۵۲ متر طول و ۴۵ متر عرض و به شکل مستطیلی است (کیانی، ۱۳۹۳: ۱۱۴). در تناسب با نیازها و پرهیز از بیهودگی در این مدرسه حجره‌ها دارای یک ایوانچه و دارای فضایی متناسب برای یک نفر همراه با یک پستو است که دارای انبار، کتابخانه و کمر پوش یا نیم اشکوب می‌باشد. اندازه حجره‌ها چیزی در حدود $۳/۳۰ \times ۳/۶۲$ متر است که به راحتی گرم می‌شده است. مصالح مورد استفاده نیز همچون بناهای دیگر در منطقه گرم و خشک، آجر و خشت می‌باشد که توسط کاشی کاری زیبای هفت‌رنگ زینت داده شده است. استاد پیرنیا در ارتباط با معماری مدرسه خان شیراز می‌نویسد: «در مدرسه خان هر حجره برای یک نفر است؛ همراه با یک پستو، کتابخانه و کمر پوش (نیم اشکوب). پوشش حجره‌ها گوناگون است؛ کاربرندی اختری در کرباس ساختمان بسیار کم خیز است. کاربرندی‌های نیم کار و تاق کجاوه نیز کار شده است» (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۳۲۵-۳۲۷).

یکی از ویژگی‌های این مدرسه که به عنوان راهکاری در جهت پایداری فرهنگی و اجتماعی مدنظر قرار گرفته است به کارگیری اعداد مقدس در ساخت عناصر مختلف آن است. به عنوان مثال تعداد حجره‌های آن ۹۲ عدد است که به حروف جمل اسم مبارک حضرت محمد (ص) است. مدرسه دارای پنج مدرّس (محل تدریس) به نیت عدد مقدس پنج تن (ع) بود. یکی از این مدرّس‌ها متعلق به ملاصدرا و چهار مدرّس دیگر برای سایرین

بود. مدرسه خان مانند هر مدرسه دیگری، دارای یک مسجد است. این مسجد دارای ۱۲ راهرو به نیت ۱۲ امام است. مجموعه دو اتاق موجود در این مدرسه در کنار اتاق‌های درس خارج، در جمع عدد ۱۲ را به نیت چهارده معصوم (ع) تشکیل می‌دهد. با جمع عناصر دیگر، عدد ۱۱۰ که به حروف ابجد (جمل) اسم حضرت علی (ع) را به دست می‌دهد. با افزودن چهار اتاق شامل اتاق گاه (زمان، وقت) شناسی، اتاق خادم، اتاق چراغ‌دار و اتاق مؤذن، مجموعاً عدد ۱۱۴ به دست می‌آید که برابر با تعداد سوره‌های قرآن مجید است (پیرنیا، ۱۳۷۴؛ به نقل از جلیلی و جوهر زاده، ۱۳۹۵: ۷). به گفته دکتر پیرنیا، علاوه بر اینکه هر کدام از قسمت‌های بنا دارای کارکردی مشخص بوده و عملکرد خود را دارا بودند؛ سازندگان آن با اجرای این امر مهم، باورها و اعتقادات خود را نیز به نمایش درآورده‌اند.

بنای مدرسه چهار ایوانی و به صورت دو طبقه بنا شده که طبقه همکف آن در اختیار طلاب مجرد و طبقه بالای آن در اختیار طلاب متأهل بوده است. دلیل این تقسیم‌بندی هم آن بود که متولیان مدرسه برای طلاب متأهل فضای بزرگ و خروجی مستقلی در نظر گرفته بودند (حمزوی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۱۵). یکی از دلایل شهرت این مدرسه در دوره صفوی و در دوره‌های بعد، حضور ملاصدرا به عنوان یکی از اساتید و مدرسان بزرگ اسلامی در این مدرسه است. ملاصدرا سال‌ها در مدرسه خان به تدریس فلسفه و علوم اسلامی پرداخت و درست از زمان حضور وی در این مکان، این مدرسه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی ایران مطرح شد. تالار ملاصدرا، در بخش بالای هشتی ورودی بنا قرار دارد که ملاصدرا در آن به تدریس می‌پرداخته و از این رو این اتاق، به مدرس ملاصدرا یا تالار ملاصدرا شهرت یافته است. ملاصدرای شیرازی از مدرسان معروف مدرسه خان شیراز، بود (واله اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳۶۶).

نتیجه‌گیری

بر اساس منابع مکتوب، دوره صفویه به عنوان عصر کلاسیک در تاریخ مدارس ایران اسلامی معرفی گشته است. طی این دوره دو عامل مهم: تشکیل دولت متمرکز ایرانی و رسمی بافتن مذهب شیعی، راه را برای ایجاد نظام آموزشی پویا و جدید و در قالبی نو فراهم کرد و نتیجه این امر فزونی مدارس و تاسیسات علمی و آموزشی را موجب گردید. بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که مدارس عصر صفوی، خصوصاً دو مدرسه خان شیراز و چهار باغ اصفهان، با توجه به اهمیت ویژه و حضور اساتید و مدرسان برجسته شیعی در آنها، نقش مهمی در رونق نظام آموزشی و تربیت جوانان ایران و در نهایت شکوفایی فرهنگ ایرانی - اسلامی داشته‌اند. در عصر صفوی متأثر از توجه شاهان صفوی بر امر تعلیم و تربیت جامعه در مسیر پیشرفت و توسعه فرهنگی قرار می‌گیرد. در طی این دوره ساخت و برپایی مدارس و دیگر مراکز آموزشی بیش از پیش مورد توجه شاهان و دربار قرار می‌گیرد و همین امر راه را برای ورود متخصصان و عالمان و دانشمندان به مراکز علمی باز نمود که در نهایت پیشرفت و توسعه را در بعد فرهنگی چه در ایران و چه در جهان اسلام به دنبال داشت. یکی از مأموریت‌های مهم نظام آموزشی در هر سرزمینی، تربیت نیروی انسانی کارآمد و فاضل و دانشمند می‌باشد که با علم خود بتواند بر پیشرفت فرهنگی بیفزایند. این عامل نیز در دوره صفوی به روشنی مشهود است. در طی دوران حکومت صفویان، در مدارس این دوره و زیر نظر عالمان و اندیشمندان برجسته‌ای همچون ملاصدرا، شیخ بهایی و .. افرادی تربیت یافتند که با علم و دانش خود، نه تنها بر پیشبرد فکری و فرهنگی عصر صفوی تأثیرات شگرفی داشتند، بلکه دانش و علوم آن‌ها جهان‌شمول بوده و نظریات و اکتشافات آن‌ها بر سطح فرهنگ سایر بلاد نیز تأثیر داشته و موجب بالا رفتن سطح آگاهی و روشنی آن جوامع گشته است. در دوره صفوی به دلیل اهمیتی که به ساخت مدارس و برپایی مراکز آموزشی داده می‌شد، سطح آگاهی و تعلیمات مردم آن دوره بالاتر از گذشته رفته و همین امر یعنی میزان دانش و سواد خود می‌تواند بر سیاست، اخلاق، روابط اجتماعی، روابط بین‌الملل و از همه مهم‌تر توسعه فرهنگی تأثیر بگذارد و آن را در مسیر مستقیم و رو به رشدی قرار دهد. زمانی که در یک جامعه از پیشرفت‌های نظام آموزشی و تعلیم و تربیت و خصوصاً ساخت مدارس باشکوه حرف به میان می‌آید، در واقع این بدان معنی بوده که فرهنگ در این جامعه در مسیر ترقی قرار گرفته

است. از طرف دیگر هنگامی که در یک برهه از زمان از پیشرفت‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی سخن به میان می‌آید، مسلماً مهم‌ترین عامل در رشد این موارد، بدون شک نظام آموزشی و سیستم تعلیم و تربیت آن است. این ویژگی در دوره صفوی کاملاً مشهود بوده به طوری که ساخت و پرداخت مدارس زیادی در این دوره و حضور عالمان و اساتید برجسته در آن‌ها جهت تدریس، در کنار جهت‌دهی درست شاهان صفوی (حال سیاسی یا غیرسیاسی که باشد) توسعه فرهنگی را در ایران و در جهان اسلام به ارمغان آورد. از جمله مهم‌ترین مدارس عصر صفوی که تأثیر بسزایی در تعالی فرهنگی عصر صفوی داشته‌اند؛ دو مدرسه خان شیراز و مدرسه چهارباغ اصفهان می‌باشند که در دو برهه از زمان و در دوره حکومت دو شاه صفوی بنا گردیدند. دو مدرسه خان شیراز و مدرسه چهارباغ اصفهان نه تنها از نظر فنون و فن‌های معماری پیشرفته، بلکه در زمینه تربیت نیروهای متخصص، دانشمند و آشنا به علوم مختلف در آن دوران اهمیت فراوانی دارند. مدارس مذکور از طریق سیستم آموزشی و وقف - نامه‌ای که شاهان صفوی برای آن‌ها در نظر گرفته بودند؛ جنبشی اساسی را در جامعه در راه ترویج علم و دانش فراهم آورد و بدین طریق این مدارس مآمن و پناهگاهی برای اساتید و عالمان برجسته و همچنین طلاب شدند که با تعالیم خود و تألیفات فراوان، رشد و توسعه تمدن و فرهنگ اسلامی را موجب گردیدند. بر این اساس در جامعه عصر صفوی، این مدارس و نظام آموزشی هستند که موجب هویت بخشی به جامعه صفوی گشته و همین گسترش روزافزون نظام های آموزشی در بافت جامعه شیعی مذهب صفویان، منجر به تغییر رفتارهای اجتماعی و و در نهایت رشد و پیشرفت تدریجی فرهنگ و تمدن جامعه اسلامی آن دوران گشته است. به طور کلی باید عنوان نمود که بنیان گذاری مکتبی جدید در ایران (مکتب اصفهان)، پرورش اساتید و علمای برجسته در مدارس عصر صفوی، خصوصاً در مدرسه چهارباغ و مدرسه خان، و مهم تر از آن، تألیفات و ترجمه‌های بی‌شمار این اندیشمندان که بر سطوح علمی ایران و جهان تأثیر مستقیم نهاد و حتی تا به امروزه نیز در ایران و سایر بلاد اسلامی مورد توجه و تدریس در دانشگاه‌ها قرار می‌گیرند؛ در کنار دیگر ویژگی‌های معماری این مدارس، صعود به پله‌های ترقی و توسعه فرهنگی را در سرزمین ایران و جهان اسلام موجب گردید و بدین طریق نقش مستقیم خود را بر این امر نشان داده است.

فهرست منابع

۱. آصف، محمد هاشم، ۱۳۵۲، «رستم التواریخ»، به اهتمام محمدمشیری، چاپ دوم، تهران: انتشارات طهوری.
۲. آقا داوودی، محی‌الدین، زکریایی کرمتنی، ایمان، خواجه احمد عطاری، علیرضا، گونه شناسی کتیبه‌های مسجد - مدرسه چهارباغ اصفهان با تأکید بر ویژگی‌های ساختاری، مجله پژوهش هنر، سال هشتم، شماره پانزدهم، ۷۱ - ۸۵.
۳. ابوالقاسمی، محمدصادق میرزا، ۱۳۹۳، کتیبه‌نگاری الوان: ویژگی‌های تاریخی و هنری کتیبه سر در مدرسه خان، فصلنامه نگره، شماره ۳۲، ۶۴ - ۵۵.
۴. الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا، ۱۳۴۰، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵. اولثاریوس، آدام، ۱۳۶۹، سفرنامه اولثاریوس، ترجمه حسین کرد بچه، جلد دوم، تهران: نشر کتاب برای همه.
۶. اولثاریوس، آدام، ۱۳۸۵، سفرنامه آدام اولثاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، تهران: بتکار نو.
۷. بخشی استاد، موسی‌الرضا، احمدی، نزهت، ۱۳۹۲، تأثیر علمی مدارس در عصر صفوی، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال سوم، شماره یازدهم، ۷ - ۲۷.
۸. بخشی استاد، موسی‌الرضا، رضایی، رمضان، ۱۳۹۳، نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده‌امامی، ادیان و عرفان، سال چهل و هفتم، شماره دوم، ۱۹۷ - ۲۱۶.
۹. بلر، شیلا و ام‌بلوم، جانان، ۱۳۸۱، هنر و معماری اسلامی ایران، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: نشر سروش.
۱۰. پرسی مولزورث، سایکس، ۱۳۸۰، تاریخ ایران، جلد دوم، ترجمه فخرالدین محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: انتشارات افسون.
۱۱. پیرنیا، محمد کریم، ۱۳۸۷، سبک‌شناسی معماری ایرانی، چاپ هشتم، تهران: نشر سروش دانش.

۱۲. پیرنیا، محمد کریم، معماریان، غلامحسین، ۱۳۷۴، آشنایی با معماری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۱۳. ترکمان، اسکندریگ، ۱۳۱۷، ذیل تاریخ عالم آرای عباس، ترجمه سهیل خوانساری، تهران: انتشارات اسلامیة
۱۴. جزایری، عبدالله بن نورالدین، ۱۳۶۷، الاجازه الکبیره، قم: مکتبه آیه اهلل المرعشی النجفی
۱۵. جلیلی، تورج، جوهر زاده، حسین، ۱۳۹۵، بررسی ابعاد پایداری در مدارس سنتی ایران نمونه موردی مدرسه خان شیراز، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی، ۱-۹
۱۶. جویری، عطیه، ۱۳۹۷، بررسی توسعه حیات شهری در دوره شاه سلطان حسین صفوی و تأثیرات سنت وقف بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، به راهنمایی دکتر علی زارعی، دانشگاه بیرجند.
۱۷. حسنی، عطاالله، ۱۳۸۵، آموزش‌های نظری در عصر صفوی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۲، ۱۵۳-۱۶۸
۱۸. حمزوی، راضیه، طغیانی، شیرین، نقی زاده، محمد، احمدی، فرشته، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره سی و یکم، ۲۲۴-۲۰۷
۱۹. خاتون‌آبادی، عبدالحسین، ۱۳۵۶، وقایع السنین و الاعوام، یا، گزارش‌های سالیانه از ابتدای خلقت تا سال ۱۱۹۵ هجری، تهران: نشر اسلامی
۲۰. درخشانی، محمد، ۱۳۹۶، مدارس عصر صفوی، فصلنامه تاریخ نو، سال هفتم، شماره نوزدهم، ۴۹-۸۱
۲۱. دیولافوا، ژان، ۱۳۹۰، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: انتشارات دنیای کتاب
۲۲. زارعیان، مریم، ۱۳۹۱، مناسبات روحانیان با دولت در عصر صفوی، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۴، شماره ۲، ۱۱۶-۸۷
۲۳. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۶۴، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون،

تهران: انتشارات نگاه

۲۴. سلیمانی شیجانی، زینب، ۱۳۹۲، طراحی مجموعه پژوهشی - یادمانی ملاصدرا در جوار مدرسه خان شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان.

۲۵. سمیع آذر، علیرضا، ۱۳۷۶، تاریخ تحولات مدارس در ایران، تهران: انتشارات سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس کشور

۲۶. شاردن، ژان، ۱۳۳۸، سیاحت‌نامه شاردن، به کوشش محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر

۲۷. شاردن، ژان، ۱۳۷۴، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: انتشارات توس.

۲۸. صفت گل، منصور، ۱۳۸۱، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، چاپ اول، تهران: خدمات فرهنگی رسا

۲۹. عظمتی، حمیدرضا، امینی فر، زینت، پور باقر، سمیه، ۱۳۹۵، الگوی چیدمان فضایی مدارس نوین مبتنی بر اصول مدارس اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان، تهران، ۱۶ - ۲۱

۳۰. کرین، هانری، ۱۳۷۲، ملاصدرا، ترجمه و اقتباس ذبیح‌الله منصوری، تهران: سازمان انتشارات جاویدان

۳۱. کسای، نورالله، ۱۳۷۴، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آنها. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۳۲. کمپفر، انگلبرت، ۱۳۵۰، در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی

۳۳. کمپفر، انگلبرت، ۱۳۶۳، سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

۳۴. کیانمهر، قباد، تقوی‌نژاد، بهاره، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی مضامین کتیبه‌های کاشی‌کاری مدرسه چهارباغ اصفهان، پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، سال سوم، شماره دوم (پیاپی

۳۵. کیانی، محمد یوسف، ۱۳۹۳، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سمت
۳۶. الگور، سیریل، ۱۳۵۷، طب در دوره صفویه، ترجمه محسن جاویدان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۳۷. متدین، حشمت اله، آهنگری، محبوبه، ۱۳۹۵، بازاندیشی در کیفیت ارتباط مدرسه و شهر بر پایه تحلیل اجتماع‌پذیری مدارس دوره تیموری تا ابتدای قرن چهاردهم، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۱، شماره ۴، ۷۵ - ۸۶
۳۸. موسوی فریدنی، محمدعلی، ۱۳۷۸، اصفهان از نگاهی دیگر، اصفهان: نشر نقش خورشید.
۳۹. موسویان، سید محمد، ۱۳۸۷، اصول و مبانی در طراحی معماری و شهرسازی، چاپ سوم، تهران، انتشارات آذرخش
۴۰. موسوی خو، سید محمد، مهمان‌نواز، محمود، ۱۳۹۷، محاسن و معایب نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی با تأکید بر ریاض‌العلماء، مطالعات تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۳۸، ۱۳۹ - ۱۶۰.
۴۱. نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی، ۱۳۸۶، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفوی، تهران: انتشارات سمت
۴۲. نویدی شیرازی، خواجه زین‌العابدین علی (عبدی بیگ)، ۱۳۶۹، تکمله الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ ق)، تصحیحی و تعلیقات: عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی
۴۳. واله اصفهانی، محمد یوسف، ۱۳۸۲، ایران در زمان شاه صفی و شاه‌عباس دوم، مصحح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۴۴. وثیق، بهزاد، قدردان، رضا، ۱۳۹۵، مفهوم آموزش و تأثیر آن در معماری مدارس اسلامی (مقایسه تطبیقی مدارس سلجوقی و صفوی) پژوهش‌های معماری اسلامی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۴۰ - ۵۸.
۴۵. وکیلان، منوچهر: ۱۳۹۰، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، انتشارات پیام نور.

۴۶. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۴، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد سوم، چاپ

چهارم، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه

۴۷. هنرفر، لطف‌الله، ۱۳۵۰، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: انتشارات کتاب‌فروشی

ثقفی.

۴۸. هوشیاری، محمدمهدی، پور نادری، حسین، فرشته نژاد، مرتضی، ۱۳۹۳، گونه‌شناسی

مسجد مدرسه در معماری اسلامی ایران، بررسی چگونگی ارتباط میان فضای آموزشی و

نیایشی، مطالعات معماری ایران، شماره ۳، ۵۴ - ۳۷.

۴۹. هیلن براند، رابرت، ۱۹۹۴، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: سازمان

فناوری اطلاعات شهرداری تهران

50. Walton, Douglas; "what is propaganda, and what exactly is wrong with it?", public affairs quarterly, V. 11, No. 4, 1997..